

میدون و سوفیا

مدل سیاسی پژو آردی



پوریاء عالمی

- سوفیا گوش کن ببین چه می‌گویم:

الان دوره‌ای است که همه فروشنده ملک هستند، اما خریدار نیست.

همه خریدار دلار هستند، اما دلار نیست.

ماشین هم طبق معمول و برخلاف دنیا که تا

بخری از قیمتش افتاده، اینجا «قالی کرمون» است!

یعنی هرچی بیشتر پا بخورد، گران‌تر می‌شود.

دوست ما چند ماه پیش ماشین خارجی خرید

و رفت دور اروپا چند هزار کیلومتر چرخید، پول

بنزینش برای یک ماه شد ۱۵ میلیون تومان. وقتی

برگشت، ماشین را صد میلیون گران‌تر فروخت!

یا واردکننده‌های ما الان یا ارز دولتی وارد

می‌کنند، بعد با ارز آزاد می‌فروشند. وقتی بپرسی

چرا؟ می‌گویند بخش خصوصی هستند! ای کود

کمپوست در آن بخش شما که خصوصی است.

صادرکننده‌ها چی؟ صادرات که شوخی است.

ما وقتی دسته‌بیل وارد می‌کنیم یعنی چی.

از این طرف احمدی‌نژاد به ترامپ گفته فهرست اموال اقاراده‌ها را در آمریکا منتشر کند.

ما به احمدی‌نژاد می‌گوییم فقط پگو چطوروی

با بودجه هشت‌ساله مملکت کاری کردی که ریال

برای ریختن پای گلدان هم به‌در نمی‌خورد؟

حالا حتما همه می‌گویند پسن دولت فعلی

چی؟

ما می‌گوییم شما پژو آردی یادتان هست؟ موتور

پیکان بود در بدنه پژو؟ اگر یادتان هست؛ همان.

زایوه دید

اعتمادبرادررفته

- ابراهیم عمران:** فروشگاه‌ی را در نظر بگیریکه

این روزها به سبب نوسان نرخ ارز قیمت کالاهای

آن روزانه و شاید ساعتی، بالا و بالاتر می‌رود و در

این بین اگر مدیریت فروشگاه به کارکنان فروش،

مشاوره و توضیحات لازم را ندهند، از چرایی این

بالارفتن‌ها؛ و آرام نکنند روح سرگردان و شوکرده

خریدار را؛ چه بر سر آن فروشگاه و مدیریتش

خواهد آمد؟ اگر پرسسل بخش فروش با آramش

و ادب و با-ا بالا نگاه‌نکردن، به مشتری جواب

دهند و کمی شرح دهند که چرا اوضاع این چنین

شده، به‌حتم خریداران هم با کمی آرامش بهتر که

فروشنده خود را موظف به توضیح می‌داند، خرید

خود را انجام می‌دهند. هرچند همان قیمت‌های

گزارف را پرداخت کرده‌اند و قسم دوم آن است که

خریدار با فروشنده روبرو شود که یک کلام توضیح

نمی‌دهد و به قول معروف می‌گوید: «همینی که

هست»، در این اوضاع هرچند خریدی صورت

می‌پذیرد که از روی «ناچاری» است که هم پول

رفته و هم اعصاب و آرامش. این-مقدمه نقب

کوته و حکایت این روزهای اقتصاد ایران است که

هیچ فرد و نهادی خود را جواب‌گوی چرایی آن

نمی‌داند یا اینکه در این برهه اراده بر جواب‌گویی

نیست. اینکه با وجود گفته کارشناسان اقتصادی

و روان‌شناسی، در این-اوضاع-واحوال آنچه کمی

تسکین‌بخش روح ناآرام و ذلت‌کشیده توده مردم

است، همانا گفت‌وشنود مسئولان در هر رده و

جایگاه با مردمی است که امید و دل‌آرامی‌شان

از بین رفته؛ ولی افسوس فرجامی ن‌دارد این

کردار و به‌واقع جواب درستی نمی‌بایم که چرا

این کوچک‌ترین کارها انجام نمی‌شود و اگر قرار

است از تنگه‌های سخت اقتصادی عبور کنیم،

چرا نباید با گفتن برخی ناکفته‌ها همراه باشد؟!

اگر ذهن و روان ناآرام این روزهای مردم، برایش

مرهمی یافت نشود و توده بزرگ مردمی، خود را

بی‌ملجأ و ماوا بداند و این حس ایجاد شود که

فرد و افراد و نهادی جواب‌گوی آنان نیست، در

آینده نه‌چندان دور نوعی سستی و بی‌انگیزگی در

بزنگاه‌های خاص، در آنان پدید می‌آید که به صواب

و ثواب هیچ‌کس نیست. مردم خوب می‌دانند

فشار بیرونی و سوم‌دیریت درونی دو پاشنه‌آتش

کشورداروی در حوزه اقتصاد است و کاری هم به

تئوری‌های سخت و نافهم و شاذ اقتصادی ندارند

و اقتصاد برایشان در قیمت شیر و ماستی است که

چندین درصد بالا می‌رود و هزینه آنها را چندبرابر

می‌کند. اقتصاد برای آنها قیمت اجاره‌خانه است

که صاحب‌خانه به‌ناچار افزایش نامعقولی برای

آن ایجاد می‌کند و معنای نهایی اقتصاد برای

آنان درآمد آخر ماه‌شان است که واریز نشد و از

ارزش آن چندین‌برابر کم شده است. برای این مردم

گفتاردرمانی و گفتن حقایق موجود از اضافه‌کردن

چنددرصد به حقوق‌شان، قابل پسندتر است. هرچند

این کمترین و بی‌هزینه‌ترین کارها هم تابه‌حال

انجام پذیرفته و روزهاست که با استرس و فشار

زیاد بر مردم سپری می‌شود. از چند ماه قبل قرار

بود وزرا و مسئولان با مردم حرف بزنند و شرایط را

بر اساس واقعیت‌ها تبیین کنند؛ نه‌تنها چنین نشد،

بلکه دیگرانی سکاندار این «من و تو» شدند تا از

«ما» نوبتی برلمان سازند که رسانه‌های خردمان

عاجز از آن شدند. به قول شیخ سخن؛ سعدی: چو

سائل از تو به زاری طلب کند چیزی/ بده وگرنه

ستمگر به زور بستاند

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۷ • ۲۳ ذی‌القدۀ ۱۴۳۹ • ۶ آگوست ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۲۱۳ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۲۴ • اذان صبح فردا ۴:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۱۷

روزنارضا

کارتون خواب

سهیل محمدی

مدیر عامل اتحادیه تاکسیرانی شهری کشور : ۱۱۶ هزار تاکسی فرسوده در کشور وجود دارد .



جنس دوم

مسیر سخت برای زنان قربانی

گاردین به‌تازگی با فریده روشیتي، یک پزشک

هنرمند که از نامزدهای فعال‌ترین زنان در عرصه

رفع نابرابری‌های جنسیتی ۲۰۱۸ است، گفت‌وگویی

انجام داده. او که در تلاش برای برابری حقوق زنان

و برابری جنسیتی در توسعه جهانی است، به‌تازگی

به موفقیت بزرگی دست یافته. دولت کوزوو پس

از دو دهه به‌تازگی موافقت خود را برای پرداخت

حقوق بازنشستگی به زنان مورد تجاوز قرارگرفته

اعلام کرده است؛ زنانی که قربانیان پنهان جنگ

بودند. روشيتي می‌گوید: «نمی‌خواستم سخن‌گفتن

از تجاوز تابو باشد». او سال‌هاست در حال مبارزه

برای بهبود وضعیت زنان کوزوویی است که در

طول جنگ مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. هنگامی که

در اواخر دهه ۹۰ جنگ در کوزوو آغاز شد، فریده

روشيتي در دانشگاه تیرانا در آلبانی مشغول به

تحصیل پزشکی بود. او توانست خود را به مرز

آلبانی برساند؛ جایی که بیش از صد هزار پناهنده

فراری از کشتار قومیتی در آن زندگی می‌کردند.

روشيتي می‌گوید:

«تا سال‌ها هیچ‌کس

نمی‌خواست درباره این

موضوعات صحبت کند.

من بین آنها می‌رفتم،

اما همه می‌گفتند،

هیچ‌کس در اینجا مورد

تجاوز قرار نگرفته

است، چرا شما در مورد

آن صحبت می‌کنید؟

مردان نمی‌خواستند که

همسران یا دخترانشان

از این خاطرات شرم‌آور

صحبت کنند تا بتوانند

از آنها محافظت کنند».

خشونت جنسیتی در

خانه‌ها رواج داشت.

یک مطالعه در سال

۲۰۱۵ نشان می‌دهد که ۶۸ درصد زنان کوزوویی

خشونت خانگی را تجربه می‌کنند. هرچند در

نهایت زنان توانستند اعتمادبه‌نفس اعتراف‌کردن

را پیدا کنند و به‌آرامی شروع به درمان صدمات

خود کردند.

KRCT بیش از ۴۰۰ مراجعه‌کننده دارد،

اما این مسیر بسیار سخت بوده است، به‌طوری‌که

روشيتي می‌گوید: «اگر کسی از من بپرسد آیا

حاضری دوباره این کارها را انجام دهی، جوابم

منفی است. من جوان و پرشور بودم و از خطرات و

سختی‌ها آگاهی نداشتم».



فریدون مجلسی

وقتی بازپرس دادسرای شهری در خراسان با جای

دیگر دستور داد شبکه مجازی تلگرام فیلتر شود، برخی

ایراد گرفتند و در این مورد با موارد دیگری که به عملکرد

دادستان‌ها و دادسراها مربوط می‌شود یادداشت‌هایی

هم منتشر شد. به نظر نگارنده، با اندک تحصیل و

آشنایی حقوقی، ایرادهای این‌گونه اشخاص بر مبنای

قوانین پیش از انقلاب یا در مقایسه با سایر کشورها

یا به دلیل تحصیلات حقوق در خارج از کشور و عدم

توجه به محتوای قانون اساسی ایران است. باید توجه

داشت که هرچند در تدوین قانون اساسی جمهوری

اسلامی برخی از اصول قانون اساسی پیشین و قوانین

اساسی برخی کشورهای دیگر مورد توجه بوده است، اما

در برخی موارد، نیازی به گرته‌برداری از قوانین اساسی

دیگران دیده نشد. به یاد دارم که وقتی مبحث تفکیک

قوا مطرح بود، مرحوم عمید زنجانی که بعدها رئیس

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران هم شد،

اظهار کرد: «چرا قوای سه‌گانه؟ چرا قوای دیگری مانند

قوه مالیه، قوه نظامیه و نظایر آن افزوده نشود؟» ممکن

است برخی این ایراد را ناشی از تداخل مباحث «تفکیک

قوا» با «تقسیم کار» در نظر ایشان دانسته باشند و

تذکراتی هم در مجلس خبرگان قانون اساسی داده شد،

اما سرانجام با اینکه پوسته تفکیک قوای سه‌گانه با ظاهر

منطبق با فلسفه غربی تفکیک قوا حفظ شد، اما در

یادداشت

تفکیک قوا و تقسیم کار

یعنی قضات نصب‌وعزل می‌کنند. اینان دعاوی جزایی

را به وکالت از طرف دولت که نماینده عام یعنی مردم

است، نزد دادگاه مطرح می‌کنند و وکیل طرف خصوصی

دعوا نیز دفاع خودش را مطرح و قاضی میان آن دو

قضایوت می‌کند. دستگاه‌های دیگری که در جایگاه

کارشناسی یا تخصصی با امر قضا ارتباط دارند، مانند

پزشکی قانونی، دفاتر اسناد رسمی، کارشناسی‌های فنی،

اجرای احکام و دادسرای سرپرستی که اموری اجرایی

هستند و در صورت لزوم باید بی‌طرفانه نظر کارشناسی

خود را به دادگاه بدهند، نیز مستقل هستند و تابع دادگاه

نیستند، بلکه بخشی از دستگاه وزارت دادگستری هستند.

در ایران پیش از انقلاب چند چنین بود و این امر با مقایسه

با کشورها موجب برخی سوءتفاهم‌ها و ایرادها می‌شود.

در ایران همان‌طور که گفته شد، بخشی از اختیارات

اجرایی در اختیار تشکیلاتی قضائی _اجرایی به نام قوه

قضائیه قرار دارد. همین موجب شد یک بار رئیس قوه

قضائیه دادسراها را منحل کرد منتها مسائلی پدید آمد

که منجر به بازگشایی دادسراها و نصب دادستان‌ها از

سوی رئیس قوه قضائیه شد. در تفکر لیبرالی لوایح را

دولت تنظیم می‌کند و برای بررسی و تصویب به مجلس

می‌دهد. در ایران لوایح قضائی نیز از سوی سازمان قوه

قضائیه تهیه و مستقیما به مجلس داده می‌شود. این

تفاوت‌ها نشان می‌دهد که در ایران ضمن رعایت نسبی

تفکیک قوا، همراه با نوعی تقسیم کار در امر حکومت،

بخشی از وظایف اجرایی را نیز برعهده تشکیلات مستقل

«قوه قضائیه» قرار داده‌اند که گاهی در رابطه میان قوا

ایجاد اصطکاک می‌کند که به‌هرحال این موضوعی

است که در قانون اساسی ایران پیش‌بینی شده است.

آکادمی

طبابت؛ چرخش یا سکون؟!



بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی

- می‌خواهم یک‌بار دیگر وام بگیرم. خاطرم به سمت آقای رئیس بانکی

می‌رود که دفعه گذشته از ایشان وام گرفتم و آشنایی پیدا کردیم. در مراجعه به

بانک متوجه می‌شوم ایشان رفته و خانم بسیار محترم و مودبی که جانشین او

شده است، در چند جمله ضرورت تغییر چهارساله مسئولان و کارکنان بانک‌ها

را برابرم توضیح می‌دهد. وقتی با دقت مدارک لازم برای وام مجدد من را بررسی

می‌کند، این موضوع برابم به خوبی جا می‌افتد.

- وقتی رئیس بزرگ‌ترین بخش پارکینسون دنیا در کانادا بازنشسته شد، با وجود

حداًقل ۱۰ نفر از بهترین‌های دنیا در همان بخش، فراخوان بین‌المللی دادند و

نهایتاً یک پروفیسور واجد صلاحیت از بارسلون اسپانیا انتخاب شد.

- دکتر... استاد برجسته... در بیمارستان بزرگ آموزشی... تهران چند ماه پیش

بازنشسته شد. در مراسم تودیع از بیوگرافی‌ای که خوانده شد و در سرگذشتی که

خود ایشان از تجارب خود بیان فرمودند معلوم شد دانشجویی، اترنی، دستیار،

استادیاری، ریاست بخش و مدیریت گروهی را در همین بیمارستان گذرانده‌اند.

استاد تجربه کار و تدریس در هیچ بیمارستان و دانشگاه دیگری را نداشتند. ایشان

بیمارستان را خانه خود می‌خواندند و با لحنی از آن نام می‌بردند که مردم معمولا

با آن لحن از ملت و نیاکان صحبت می‌کنند.

راستی درحالی‌که در همه‌جای دنیا طبییان و در همین کشور ما بسیاری از

مسئولان، داناها در حال چرخش هستند، چرا ما طبییان ایرانی به سکون مبتلا

شده و به آن است می‌بالیم؟ پزشکان در همه‌جای دنیا و شاید در طول تاریخ مجبور

بوده‌اند برای کسب دانش طب در هرجایی که می‌توان آن را به دست آورد آن را

بجویند و در طلب استاد برآیند و مدتی را در جوار او بی‌تونه کنند. در همه‌جای دنیا

برای این کار سازوکارهایی مناسب اندیشیده شده است و در برخی رشته‌ها پرکردن

جدول دوره‌های لازم برای امتحان، نیازمند یک دور کامل در تمام کشور مربوطه و

حتی بخش‌هایی از دنیاست. خود این حقیر نگارنده هم بعد از «فارغ» التحصیلی

به‌ناچار دوبار در جوار یک استاد بزرگ رحل اقامت افکندم (البته بدون دریافت

مدرک که خود داستان مجزایی دارد). بسیاری از استادان هم چنین می‌کنند، اما</